



فَوَافِكُ الْبُزْجَانَا

منتخباتی فلسفی اعتقادی، روایی

در اواخر دوره قاجاریه

اثر:

حاج میرزا محمد طهرانی

به کوشش:

علی قیصری

با همکاری:

علیرضا ابادری

فواکه البساتین

منتخباتی فلسفی، اعتقادی، روایی
در اواخر قاجاریه

اثر

حاج میرزا محمد طهرانی

به کوشش

علی قیصری

با همکاری

علیرضا اباذری

قم، نشر مورخ

۱۳۹۷

سرشناسه	: طهرانی، حاج میرزا محمد، قرن ۱۳ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: فواکه البساتین: منتخباتی فلسفی، اعتقادی، روایی در اواخر قاجاریه/ اثر: حاج میرزا محمد طهرانی؛ به کوشش: علی قیصری، با همکاری علیرضا اباذری.
مشخصات نشر	: قم: مورخ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۱ ص.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۹۸۶۶۲۸۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: منتخباتی فلسفی، اعتقادی، روایی در اواخر قاجاریه.
شناسه افزوده	: قیصری، علی، ۱۳۳۳ -
شناسه افزوده	: اباذری، علیرضا
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۹ف۹ط/۱۲۷ AC
رده بندی دیویی	: ۰۸۹/فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۳۶۶۳۶



فواکه البساتین

منتخباتی فلسفی، اعتقادی، روایی در اواخر قاجاریه

تألیف: حاج میرزا محمد طهرانی

به کوشش: علی قیصری، با همکاری علیرضا اباذری

صفحه آرایی: مریم صدیقی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۸۶۶۲۸۱

نشر مورخ: قم، ۱۳۵۵/۳۷۷۳ - ۲۵

فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
پیوست‌ها.....	۲۱
پیوست (۱): تصویر برگ سوم به سبک سیاق و صفحه عنوان در ابتدای دفتر.....	۲۱
پیوست (۲): تصویر دو برگ آغازین در متن دفتر (صص ۱ و ۲).....	۲۲
پیوست (۳): تصویر دو برگ از صفحات میانی دفتر (صص ۱۹۳ و ۱۹۴).....	۲۳
پیوست (۴): تصویر دو برگ پایانی متن دفتر (صص ۳۰۵ و ۳۰۶).....	۲۴
پیوست (۵): تصویر برگ نخست و برگ دوم به سبک سیاق در ابتدای دفتر.....	۲۵
پیوست (۶): تصویر برگ چهارم به سبک سیاق در انتهای دفتر.....	۲۷
پیوست (۷): تصویر برگ های پنجم و ششم به سبک سیاق در انتهای دفتر.....	۲۹
فواکه البساتین.....	۳۳
[نیکی به اطرافیان].....	۳۳
[جاریه و آیه نکاح].....	۳۴
[توبه و رستگاری دینار عیار].....	۳۴
[قاضی و جوان تارك الصلاة].....	۳۵
[خطای چشم بالای درخت].....	۳۶
[اندازه ریش و ارتباط آن با عقل].....	۳۶
[عظمت دمشق].....	۳۷
[احتلام مرد زخمی در زمان حجاج].....	۳۸
[۴۰ روز تکرار اتقوا الله توسط پرنده].....	۳۸
[ابیاتی از حکیم سنائی] / ف /.....	۳۸
[قولی از فاضل میبدی راجع به وجود و عدم] / ف /.....	۳۹
[پیروزی بر محبوب].....	۳۹
[استفتاء برای بوسیدن].....	۳۹
[تغییر نبض جوان عاشق].....	۴۰
[عبد الله بن مبارک در پی داروی گناهان].....	۴۰
[دو دلیل برای دوست داشتن].....	۴۱

- [سؤال از زیر روانداز] ٤١
- [توصیه جوان مطرب به اسحاق موصلی] ٤١
- [دو اسم مترادف در اصطبل] ٤١
- [چهار لذت دنیا] ٤٢
- [دو ولیمه بزرگ] ٤٢
- [اسلام آوردن اجباری يك مسیحی] ٤٢
- [جحا و حال] ٤٢
- [پرسش های قاضی یا نکیر و منکر] ٤٣
- [يك نفر از خانواده ام را فراموش کردم!] ٤٣
- [یهودی و کودک در بازار] ٤٣
- [کیفیت اختلاس با طلا] ٤٣
- [عاشق، برادر آه و ناله است] ٤٣
- [در رفاقت مثل آب، صاف و گوارا باش] ٤٤
- [اجساد مایعه و اجساد صاعده] / ف / ٤٤
- [محبت، مغناطیس دل ها] ٤٤
- [یادی از نجم الدین کبری] / ف / ٤٥
- [امیر المؤمنین] و نصرانی نزد قاضی ٤٦
- [امام علی] و جمع خرما برای خانواده ٤٦
- [سه علامت شیعه از زبان امام علی] ٤٦
- [درهم به جای دینار و هوش قاضی] ٤٦
- [ذکاوت ایاس قاضی در شناخت معلم واسطی] ٤٧
- [آرای ابونصر فارابی و ارسطو درباره معادن، کیمیا، و فلزات] ٤٧
- [مرگ ناگوار نحاس مصری] ٤٨
- [جایگاه عالم فقیر] ٤٨
- [دستیابی به مجد و بزرگی] ٤٩
- [ساعات روز نزد عرب] ٤٩
- [ریشه اصیل در برابر باد] ٤٩
- [شاپور، بنیان گذار ایوان مدائن] ٥٠
- [مشورت هارون با یحیی برمکی برای تخریب ایوان مدائن] ٥٠
- [ارجاع به بیت مشهوری از ظهیر فاریابی] / ف / ٥٠
- [علت کژی ایوان مدائن] ٥٠

۵۱	[کبوتری که به کسری مردم‌داری آموخت]
۵۱	[ویژگی‌های اختصاصی کسری]
۵۱	[تأذیب عامل نافرمان]
۵۲	[سه کلمه به ارزش ۱۰۰۰ دینار]
۵۲	[در لزوم عدل و ارجاع به ابیاتی از اوحدی مراغه‌ای] / ف /
۵۲	[در تکوین] / ف /
۵۵	[روایت سید مرتضی از فتوای اختصاصی امامیه]
۵۶	[يك قاعده اصولی]
۵۷	[فرار مجرم از نابودی]
۵۷	[مسخ شدن مرزبان، ندیم شاپور]
۵۸	[پرداختن زکات حُسن]
۵۸	[سه حدیث جالب از رسول خدا (ص)]
۵۸	[يك پیوند عصبی که شیطان در آن می‌دمد]
۵۹	[ترك و روم، دشمن مشترك ما!]
۵۹	[سوره جهل]
۵۹	[خرچنگ آبی در خدمت خیر بافنده]
۵۹	[دو بیت از نظامی در باب راستی] / ف /
۵۹	[بایستگی صفات چند حیوان در فرمانده لشکر]
۶۰	[فائدهٔ چهار چیز اثرگذار در نزدیکی، عقل، و بدن]
۶۰	[شیخ یهودی]
۶۰	[جملات طلائی]
۶۱	[در حالات مختلف اجسام] / ف /
۶۲	[قاضی و حکمی از جنس دیگر]
۶۲	[حکم قاضی، زن زیبا و خورشید]
۶۲	[عیادت با ایرادهای نحوی]
۶۳	[شکایت مادر از طفل خود و اقدام عملی معلم]
۶۳	[توجه آموزگار در حال نیاز]
۶۳	[تجدد لحظه به لحظه آفرینش]
۶۳	[در موجد و خالق يك جهت بیش نیست و آن ایجاد است] / ف /
۶۴	[شریح، باهوش‌تر و حیل‌گستر از روباه]
۶۵	[نقش واسطه]

- ۶۵ [راهی برای سلامتی و طول عمر]
 ۶۵ [کیفیت تشکیل یاقوت و انواع آن]
 ۶۶ [یاقوت ۲۰ هزار دیناری محمود غزنوی]
 ۶۶ [نگین انگشتری معتصم؛ ۶۰ هزار درهم]
 ۶۷ [تقابل یاقوت و الماس]
 ۶۷ [اجسام به خودی خود رنگ ندارند] / ف/
 ۶۸ [هارون الرشید و فصاحت دختر]
 ۶۹ [داوری و مشاعره اصمعی با کنیزان در گرمای بصره]
 ۷۱ [وجه تسمیه پادشاهان روم]
 ۷۱ [ریشه نام یونان]
 ۷۲ [اختلاف در نسب اسکندر]
 ۷۲ [شاعرترین مردم از نظر جریر]
 ۷۳ [اول و آخر آدمزاد]
 ۷۳ [ذوالقرنین، بنده شایسته]
 ۷۴ [سبب اختلاف در باره لقب ذوالقرنین]
 ۷۴ [امت شایسته‌ای که ذوالقرنین را شگفت‌زده کرد]
 ۷۶ [جوانمردی به نقل از ابراهیم بن مهدی عباسی]
 ۷۹ [ناکامی دعبل خزاعی]
 ۸۱ [نامه‌نگاری طیبانه]
 ۸۱ [مسأله دیناریه و منبریه امام علی^ع]
 ۸۲ [اشعار کمیت درباره غدیر خم]
 ۸۲ [اثبات حقانیت امیرالمؤمنین^ع برای ابوهدیل علاف در رقه]
 ۸۴ [چند طنز]
 ۸۴ [انوشیروان و یحیی برمکی در برابر ظلم]
 ۸۵ [دو عاشق؛ یکی بخیل و دیگری ناآگاه]
 ۸۶ [پنج نمونه حاضر جوابی]
 ۸۶ [چهار دینار ابن جوزی]
 ۸۷ [ناامیدی به خاطر خنزیر]
 ۸۷ [في أن الأسماء الإلهية مظاهر لظهور الحق والإنسان الكامل مظهر لاسم الله]
 ۸۷ [اسماء الهی و انسان کامل] / ف/
 ۸۸ [رسالة في البديع في غاية الإيجاز لسهولة الحفظ]

داستانی ظریف؛ گلگشت در بوستان.....	۱۳۵
[حکایت محمد بصری ندیم مأمون، از مناظره شش کنیز].....	۱۵۰
[شب نشینی و فال بد امین عباسی].....	۱۵۸
[فال بد برای صلاح الدین ایوبی].....	۱۵۹
[گفتگوی خالد بن ولید و عبدالمسیح هنگام فتح حیره].....	۱۵۹
[گفتگوی جاحظ و ابواسحاق نظام بر سر فال بد].....	۱۶۱
[لفاظی هشام قرطبی برای بیان سنش].....	۱۶۲
[گفتگوی طنز آمیز ابوالعبر با متوکل عباسی].....	۱۶۲
[اقوال ۲۳ گانه علما درباره شفع و وتر].....	۱۶۳
[پیام بختی به محبوب].....	۱۶۴
[دستور محبوب به ماه].....	۱۶۵
[زندان شدن برای پسر نوح!].....	۱۶۵
[ظلم گسترده حجاج ثقفی].....	۱۶۵
اشاره الى المراتب الکفر والایمان/ ف.....	۱۶۶
[بهشت می روم، به شرطی که ندانند باهلی هستم].....	۱۶۹
[تحقیر قدامه در مجلس قتیبه باهلی].....	۱۷۰
[تعمید حکم قتیبه باهلی بر خراسان].....	۱۷۰
[توصیه ارسطو به مأمون در خواب].....	۱۷۰
[دیدگاه ابن بکیر درباره مد و جزر].....	۱۷۱
[نشانی منزل ابن عبدونه در تونس].....	۱۷۱
[بقراط حکیم و علاج عشق پسر پادشاه].....	۱۷۲
[جالینوس به دنبال حضرت مسیح (ع)].....	۱۷۲
[شهاب الدین بن نحاس در جامع الازهر].....	۱۷۳
[صحبت روی پل بغداد].....	۱۷۴
[حُب محمد بن عیسی الجعفری].....	۱۷۴
[قولی در مذهب شافعی].....	۱۷۵
[پایم را کجا بگذارم؟].....	۱۷۵
[چند حکایت برای حرکت فتحه، کسره و ضمه].....	۱۷۵
[انواع آتش نزد عرب].....	۱۷۶
[جواب تند به عشق نابجا].....	۱۷۷
[سخنان عجیب کندی درباره بخل].....	۱۷۷

- ۱۷۸.....[سلیمان نبی در مهمانی هدهد]
- ۱۷۸.....فی مکر النساء وان کیدهن عظیم
- ۱۷۹.....[شب طوفانی همسر تاجر]
- ۱۸۰.....[حیلہ زن و نجات جان غلام]
- ۱۸۰.....[سیاح و حیلہ زنان] / ف /
- ۱۸۰.....[زن در مغازه برنج فروش]
- ۱۸۱.....[وقتی تیر پیر زن به سنگ می خورد]
- ۱۸۳.....[شب های جوان بازرگان در بغداد]
- ۱۸۶.....[مناظره و خوشگذرانی ابونواس در شهر حماة]
- ۱۹۳.....حرارت طبیعی یا غریزی / ف /
- ۱۹۴.....در رعد و برق / ف /
- ۱۹۹.....انسان کامل (۱) / ف /
- ۲۰۱.....در باب قیامت (۱) / ف /
- ۲۰۳.....در باب قیامت (۲) / ف /
- ۲۰۴.....[نزاع تاجر و مرد کرد]
- ۲۰۶.....[عشق بازی پس از نصیحت پدر]
- ۲۰۶.....حکایة.....
- ۲۱۲.....[قرآن آموزی پسر و دختر جوان]
- ۲۱۲.....[فراق و وصال عجیب]
- ۲۱۳.....[عجیب ترین مورد اخبار عشاق به روایت عتی]
- ۲۱۴.....[عاشق و معشوق در یک قبر]
- ۲۱۵.....[وفات از فراق در دیر هرقل]
- ۲۱۸.....در باب مایعات.....
- ۲۲۰.....[والی قاهره در دام دو شاهد عادل]
- ۲۲۱.....[دزد با معرفت]
- ۲۲۲.....[علاء الدین والی قوص در دام دزد مکار]
- ۲۲۳.....[ده دزد و کشاورزی که بر دار شدند]
- ۲۲۳.....[وصال در بصره به روایت علی بن منصور خلیعی]
- ۲۳۳.....در باب نور و ظلمت / ف /
- ۲۳۵.....قوس و قزح / ف /
- ۲۳۶.....تفکر در ذات باری تعالی محال و ممنوع است / ف /

۲۳۹.....	جوهر و عرض / ف /
۲۳۹.....	در علم و معرفت / ف /
۲۴۵.....	من نوادر الکرم
۲۴۷.....	در فناء فی الله و بقاء بالله / ف /
۲۵۱.....	انسان کامل (۲) / ف /
۲۵۶.....	[تاجر بزرگوار و ازدواج آسان ابراهیم بن مهدی عباسی]
۲۵۸.....	[هدیه اسحاق بن ابراهیم موصلی به مأمون]
۲۶۰.....	فی عدم الاعتبار بالدنیا و ذم الاغترار بها
۲۶۵.....	[اصول نشأت از دیدگاه فیض کاشانی]
۲۶۶.....	انسان کامل (۳) / ف /
۲۷۰.....	در نشو و نما / ف /
۲۷۳.....	[ابوالحسن دراج و ابوجعفر مجذوم در سفر حج]
۲۷۵.....	حرکت موجی / ف /
۲۷۸.....	فی بعض حالات معشر الماضین و أخبار الامم السالطین عموما من الموافق والمخالف لیكون أبعد من الغرض وأوقع فی النفوس وأخلاقهم وسیرتهم
۲۷۹.....	[مکارم اخلاق، اساس ادب]
۲۸۰.....	[کلمات قصار]
۲۸۰.....	[شرایط قاضی]
۲۸۰.....	[سفارش اسکندر به اطرافیان]
۲۸۱.....	[کلمات قصار]
۲۸۱.....	[شریرترین مردمان]
۲۸۱.....	[حقیقت زهد]
۲۸۲.....	[دو برادر زاهد در بنی اسرائیل]
۲۸۲.....	[چند حکایت در زهد]
۲۸۳.....	[ورع خاندان بشر حافی]
۲۸۴.....	[تأثیر آیه قرآن]
۲۸۵.....	[موسی ^ع در مدین]
۲۸۶.....	[چند حکایت دیگر از زهد عرفا]
۲۸۶.....	[زهد شافعی]
۲۸۸.....	[ابوحنیفه و رد کردن منصب قضاوت]
۲۸۸.....	[وصایای سفیان ثوری]

۲۸۹.....	[رابطه دین، دنیا و پادشاهی]
۲۸۹.....	[سه گونه پادشاه]
۲۹۰.....	[تقسیم بندی اردشیر برای پادشاهی]
۲۹۰.....	[چند حکایت آموزنده از شاهان و خلفا]
۲۹۵.....	پند و اندرز (۱) / ف /
۲۹۸.....	پند و اندرز (۲) / ف /
۳۰۳.....	پند و اندرز (۳) / ف /
۳۰۵.....	پند و اندرز (۴) / ف /
۳۱۲.....	اشاره لبعض العرفا بطور الرمز واللغز
۳۲۱.....	فی انسان الکامل
۳۲۷.....	[عشق از بصره تا بغداد و رقابت بین دو وزیر]
۳۵۱.....	برزخ / ف /
۳۵۳.....	[حال انسان در برزخ و قیامت]
۳۵۴.....	قبر / ف /
۳۵۵.....	و اما الصور
۳۵۷.....	انسان کامل (۴) / ف /
۳۵۹.....	[عوالم مختلف غیب و شهود] / ف /
۳۶۷.....	کتابنامه
۳۷۵.....	فهارس
۳۷۷.....	آیات
۳۸۵.....	احادیث
۳۸۸.....	اعلام و اشخاص
۳۹۵.....	مکانها
۳۹۷.....	کتابها و مقالات
۳۹۹.....	اصطلاحات
۴۰۷.....	قبایل و خاندانها
۴۰۸.....	اشعار فارسی
۴۱۰.....	اشعار عربی
۴۳۰.....	امثال و حکم

پیشگفتار

کتاب «فواکه البساتین» اثر حاج میرزا محمد طهرانی، حاوی مطالبی متنوع در فلسفه و علوم جدید، اخلاق و اندرز، کلام و اعتقادات، برخی روایات تاریخی و داستانی و متفرقه، فنون ادبی، و مباحثی مربوط به نظریه شناخت می‌باشد.^۱ این متن که تناوباً به عربی و فارسی تألیف شده با سبک و رسم الخطی یکسان و فشرده در ۳۰۶ صفحه در دفتری به ابعاد ۳۳/۵ در ۱۵/۵ سانتی‌متر تحریر و تاریخ انجام کتابت آن نیز در انتهای متن ذیحجه ۱۳۳۲ ه.ق (برابر با اکتبر و نوامبر ۱۹۱۴ م.) قید گردیده است. دفتری که در تحریر «فواکه البساتین» به کار رفته از نوع مرغوب دفاتر قدیمی نگاهداری حساب‌های تجاری است، ولی تنها چند برگ از ابتدا و چند برگ از انتهای دفتر، با خط و جوهری متفاوت، به یادداشت چند فقره حساب به سبک سیاق اختصاص یافته است و باقی دفتر بی هیچ خدشه یکسره وقف گزارش و نگارش پاکیزه مطالب نظری و روایی است.^۲ تا جایی که می‌دانیم نویسنده این مجموعه، حاج میرزا محمد طهرانی، شغل تجارت داشته، به کتاب و داد و ستد آن علاقمند بوده، و عربی را نیز به خوبی می‌دانسته است. حاج میرزا محمد، فرزند حاج میرزا محمد باقر، به «حاج میرزا محمد تاجر» و «حاج میرزا محمد

۱. مفاد اصلی پیشگفتار حاضر به همراه بخش‌های فارسی اثر، با تغییراتی، بیشتر تحت عنوان «فواکه البساتین اثر حاج میرزا محمد طهرانی، متنی فلسفی و اعتقادی در اواخر قاجاریه» توسط نگارنده در مجموعه «جشن‌نامه استاد سید احمد حسینی اشکوری» (به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۹۲، صص ۷۲۴-۸۱۷)، به چاپ رسیده بود.

۲. برای تصویر برگ‌های آغازین، دو برگ از صفحات میانی، و دو برگ پایانی متن، بنگرید به پیوست‌های (۱)، (۲)، و (۳)؛ و برای تصویر برگ‌های سیاقی و برگردان آن‌ها به انشای متعارف، بنگرید به پیوست‌های (۴)، (۵)، (۶)، و (۷)، در انتهای این پیشگفتار.

کتابفروش طهرانی^۱ هم شهرت داشت، هرچند که در متن حاضر اشاره‌ای به این دو شهرت اخیر دیده نمی‌شود.^۲ فرزندان وی بعدها نام خانوادگی کتابیان را برگزیدند.^۳ حاج میرزا محمد علاوه بر داد و ستد کتاب در کار تجارت قند و شکر نیز بوده است.^۴ هرچند که از سابقه تحصیلی نویسنده و کسانی که با وی از نظر فکری و بحث محصور بوده‌اند، خبری در دست نیست اما می‌توان مجموعه حاضر را با توجه به مباحثی که به آن

۱. شهرت اخیر در قباله ازدواج یکی از فرزندان نویسنده، «قدرت الملوک خانم»، آمده است که وی را «صبیه مرحوم خلد آشیان حاج میرزا محمد تاجر شهیر به کتابفروش طهرانی» معرفی می‌کند. تاریخ تنظیم این سند ۲۷ جمادی الاول ۱۳۴۱ ه.ق (برابر با ۱۵ ژانویه ۱۹۲۳) می‌باشد که با در نظر گرفتن تاریخ کتابت «فواکه البساتین»، می‌توان نتیجه گرفت که درگذشت نویسنده زمانی بین سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۴۱ ه.ق (۱۹۱۴ و ۱۹۲۳ م) بوده است.

۲. نگارنده بر خود فرض می‌داند از عم خود مرحوم احمد قیصری (و. ۱۳۹۰) که اصل این اثر را از میان اوراق خانوادگی به وی سپردند سپاسگزاری نماید؛ و همچنین از شادروان هما قیصری (کتابیان) (و. ۱۳۴۸) از فرزندان نویسنده متن، و مادر بزرگ نگارنده، که طی سالیان از این دست‌نوشته نگاهداری کرده بودند، به نیکی یاد کند.

۳. از قرار اطلاع، حاج میرزا محمد که گه‌گاه از درد مفاصل در رنج بوده است یک بار به اهل منزل گفته بود اگر آن روزی که تجار عمده شکر را در بازار چوب می‌زدند وی، که به سبب بیماری در خانه مانده بود، به بازار رفته بود او را هم می‌نواختند. به نقل از گفتگوی نگارنده با شادروان قدسیه قیصری (قیصریه) (و. ۱۳۹۱)، از نوادگان دختری حاج میرزا محمد طهرانی (کتابیان)، تهران، ۲۶ دی ماه ۱۳۸۸. در این‌جا اشاره است به دستور علاء الدوله حاکم تهران در مورد چوب زدن شکاری از تجار، از جمله تجار قند و شکر، در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۳ ه.ق (۱۲ دسامبر ۱۹۰۵ م)، به اتهام گرانفروشی، رویدادی که تاریخ پژوهان آن را در زمره مقدمات انقلاب مشروطیت دانسته‌اند. بنگرید به: احمد کسروی، «تاریخ مشروطه ایران»، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶، صص (۵۸-۵۹)، کسروی تعداد تجار مجازات شده را هفده نفر ذکر می‌کند؛ در مآخذی دیگر تعداد آن تجار هفت الی هشت نفر ذکر شده است، بنگرید به:

E. G. Browne, *The Persian Revolution of 1905-1909*, Cambridge: Cambridge University Press, 1910, p. 112.

در مورد این رویداد، همچنین بنگرید به: یحیی دولت‌آبادی، «حیات یحیی»، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات عطار و انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱، صص (۱۰-۱۱).

در برگ‌های سیاقی انتهای دفتر به اقلامی مانند «قند حریره» و یا «مخمر آبجو» اشاره شده که نویسنده احتمالاً برای التیام درد مفاصل خود از آن‌ها استفاده می‌کرده است. به ترتیب بنگرید به پیوست (۶) و پیوست (۷) در پایان این پیشگفتار.

پرداخته، نمونه خوبی دانست از تنوع موضوعات و طرز بیان و انشای محفوظات فلسفی، علمی، اخلاقی، اعتقادی و نیز داستان های تاریخی و روایات متفرقه در ایران در اواخر دوره قاجار؛ هم در ارتباط با شماری از مباحث سنتی فلسفی و کلامی، مانند «وجود و عدم»، «انسان کامل»، «قیامت»، و نیز کلیاتی در اخلاق و حکمت عملی، و هم در ارتباط با ورود برخی مباحث جدید در فلسفه و علوم که در غرب مطرح گردیدند، مانند «الکتریسیته»، «رعد و برق»، «قوس و قزح»، فیزیک «گازها»، و جز آن. اما بیشتر متن به بیان عقاید دینی، نگارش روایات گوناگون، و اندرز اختصاص یافته و کلاً سرشار از ارجاعات مکرر به آیات قرآن و احادیث است.

اگرچه در دوره قاجار شماری از تجار، سوای موضوعات تجاری، در باب موضوعات متنوع از تاریخی و جغرافیایی گرفته تا سیاسی و اجتماعی و خانوادگی، نوشته هایی از خود برجای گذاشتند، و یا خاطرات و سفرنامه هایی (چه واقعی و چه تخیلی) تألیف کردند،^۱ اما متنی که در این جا مورد نظر است از سنخ این گونه نوشته ها نیست. متن حاضر، به جز

۱. برای نمونه، مثلاً بنگرید به: محمد مهدی ارباب، «نصف جهان فی تعریف الاصفهان»، (اثری درباره جغرافیای اصفهان، که بین سال های ۱۸۸۳ و ۱۸۹۱ م تألیف و تکمیل گردید)، چاپ جدید به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰. همچنین بنگرید به: میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، «سفینه طالبی یا کتاب احمد»، (چاپ اول، دو جلد، استانبول، ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ م)، چاپ جدید، تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶؛ همو، «مسالك المحسنين»، (چاپ اول، قاهره، ۱۹۰۵ م)، چاپ جدید، تهران: کتاب های جیبی، ۱۳۴۷؛ زین العابدین مراغه ای، «سیاحت نامه ابراهیم بیگ یا بلای تعصب او»، (جلد اول، چاپ اول، بدون نام نویسنده، استانبول، ۱۸۸۸ م؛ جلد دوم، چاپ اول، استانبول، ۱۹۰۳ م؛ جلد سوم، کلکته، ۱۹۰۹ م)، چاپ جدید، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۳، و تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۴؛ و حاج محمد تقی جورابچی، «حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: وقایع تبریز و رشت (۳۰-۱۳۲۴ ق.ه)»، (چاپ اول، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، متن کامل با اضافات، به کوشش علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۶. همچنین می توان به مکتوب کوتاهی که به صورت پرسش و پاسخ در باب مشروطیت به جا مانده نیز اشاره نمود، بنگرید به: «سوال هایی است دایر به مشروطیت که حاجی یوسف آقا تاجر تبریزی از جناب مستطاب فخر العلماء شیخ مهدی نموده و جواب فرموده اند»، در «منابع اندیشه سیاسی در تاریخ ایران، کتاب اول، رسائل مشروطیت: ۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت»، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۴، ص (۳۳۷-۳۴۸).

اشاره‌ای کوتاه به نام و نام پدر نویسنده در ابتدای متن، به سابقه خانوادگی، معیشتی، و یا تحصیلی نویسنده نمی‌پردازد؛ همچنین علیرغم تاریخ انجام کتابت اثر، که یکی از ادوار بحرانی در تاریخ متأخر ایران بود، اشاره‌ای به مسائل تجاری و یا رویدادهای سیاسی و اجتماعی نیز در آن نیست. این متن، اما از لحاظ محتوای اعتقادی، روایی، اخلاقی، و فلسفی و نیز سبک و زبانی که در طرز بیان و نگارش موضوعات متنوع نظری به کار برده است، و همچنین استفاده‌ای که به تناوب از دو زبان عربی و فارسی کرده است، شایان توجه می‌باشد. «فواکه البساتین» را، از نظر سبک انشا و طرز به کار بردن استعارات و گزینش مباحث و ارجاع به آیات و احادیث، می‌توان ادامه سنتی دیرینه در گردآوری و تدوین موضوعات گوناگون روایی، ادبی، ذوقی، اعتقادی، و نظری دانست. از این دیدگاه «فواکه البساتین» را همان‌طور که از عنوان آن نیز استنباط می‌شود می‌توان اثری دانست مانند یک جُنگ و یا کشکول، زنبیل، و سفینه، حاوی مطالب متنوع در اخلاقیات و فلسفه و باورهای دینی و همچنین شماری فنون ادبی، داستان‌های تاریخی و روایاتی که بعضاً در مقام خود خیال‌انگیز و سرگرم‌کننده محسوب می‌شدند.^۱

۱. از جمله نمونه‌های مشهور در فراهم آوردن مطالب متنوع ذوقی و اعتقادی مثلاً می‌توان از «کشکول» شیخ بهایی، دانشمند برجسته سده دهم و یازدهم هجری در عصر صفوی، یاد نمود. برای چاپ جدیدی از کشکول شیخ بهایی، بنگرید به: محمدبن حسین شیخ بهایی، «کامل‌ترین ترجمه کشکول شیخ بهایی»، ترجمه محمد مهدی سازندگی، تهران: نگاه آشنا، ۱۳۸۸. از جمله نمونه‌های مشهور دیگر همچنین می‌توان از «زنبیل» فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۳۰۵-۱۲۳۳ ه.ق.)، از فرزندان عباس میرزا نایب السلطنه و عموی ناصرالدین شاه، در دوره قاجار یاد نمود؛ بنگرید به: فرهاد میرزا قاجار، «زنبیل به قلم فرهاد میرزا معتمد الدوله»، (چاپ اول، طهران، ۱۳۱۸ ه.ق.)، (تجدید چاپ، به اهتمام میرزا مهدی منشی شیرازی، ۱۳۲۹ ه.ق.)، چاپ جدید، به همت محمد رمضان، تهران: کلاله خاور، ۱۳۴۵. در مورد «زنبیل» فرهاد میرزا، همچنین بنگرید به: ابراهیم قیصری، «برخی فواید لغوی از «زنبیل» فرهاد میرزا»، آشنا، شماره ۲۷، سال ۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، ص (۵-۱۰)، موجود در:

<http://www.ensani.ir/fa/content/274189/default.aspx>

اثر دیگر فرهاد میرزا در این سبک «منشآت» اوست؛ برای بررسی این اثر، بنگرید به: ناهید بهزادی، «منشآت فرهاد میرزا معتمد الدوله»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۱ و ۵۲، دی و بهمن ۱۳۸۰، ص (۴۰-۴۵)، موجود در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/65629>

در تحریر مطالب متن «فواکه البساتین» نیز نظم و ترتیب خاصی رعایت نشده است، گاه عنوانی برای یک قسمت در نظر گرفته شده و گاه صرفاً به ذکر «بدان که» اکتفا گردیده، ولی در بیشتر موارد، بدون تصریح بر عنوان خاصی، متن بر روال خود تحریر یافته است.

درواقع این اثر را می‌توان در مقام مجموعه‌ای در نظر آورد که نویسنده و پدیدآورنده‌اش از راه نگارش تدریجی و یا پاکتویس آن، افکار و دانسته‌های اعتقادی و نظری و به طور کلی خواننده‌های متنوع خود را گرد هم می‌آورده، مرور می‌کرده و مکتوب می‌ساخته؛ و برایش این کتابت، به ویژه در مورد بخش‌های اعتقادی و اخلاقی آن، نوعی عبادت می‌بوده است. بنابراین نفس نگارش این مجموعه، تجربه‌ای ذوقی، ذهنی، و روحی برای او داشته و هرچند که متن از یک ساختار کلی منطقی و استدلالی و حتی موضوعی برخوردار نیست، اما گزینش موضوعات نیز مشخصاً بر پایه ارزش و اهمیتی بوده است که وی از منظر ذوقی، اعتقادی، و فکری برای آن‌ها قائل بوده و آن‌ها را سزاوار ثبت و انشاء می‌دانسته، مانند مطالبی در باب انسان کامل، قیامت، و اندرزهای اخلاقی، و یا داستان‌های تاریخی و حتی روایات و مطایبات بعضاً هزل آمیز. این متن را شاید بتوان به سینی رنگ یک نقاش تشبیه نمود که به تدریج رنگ‌های لازم برای ترسیم پرده‌ای که باید آفریده شود بر آن گردآوری گردیده و اینک خود به همان پرده تبدیل گشته.

از آن‌جا که حاج میرزا محمد علاوه بر تجارت شکر در کار داد و ستد کتاب هم بود می‌توان گمان برد که وی اوقاتی را در خلوت منزل و یا در محل کارش با کتاب‌هایی که در اختیار داشت می‌گذراند، به تناوب آن‌ها را می‌خواند و بخش‌هایی که جالب نظرش بودند را در این دفتر می‌نگاشت.

به این ترتیب، می‌توان فهرستی از علایق نویسنده جمع‌آوری کرد و بر آن پایه کتب و منابع مورد استفاده و ارجاعش را شناسایی نمود؛ مثلاً «خزائن» ملا احمد نراقی

شاید در گزینش عنوان «فواکه البساتین» حاج میرزا محمد یکی از گفتاوردهای منسوب به حضرت امیر^(ع) را در نظر داشته بود، به عبارت «الکُتُبُ بَسَاتِینُ الْعِلْمَاءِ» (کتاب‌ها باغ‌های دانشمندان هستند). بنگرید به: «غرر الحکم و درر الکلم»، ص ۴۹ (شماره ۲۹۱). برای آگاهی بیشتر درباره این مجموعه، بنگرید به: ناصرالدین انصاری قمی، «غرر الحکم و درر الکلم»، موجود در:

(و. ۱۲۴۵ ه. ق.)، «کشکول» شیخ بهائی (و. ۱۰۳۱ ه. ق.)، متون فلسفی و حکمی، «الف لیله و لیله»، «انسان کامل» عبدالکریم جیلی (و. ۸۲۶ ه. ق.)، «کلمات مکنونه» از آثار ملا محسن فیض کاشانی (و. ۱۰۹۰ ه. ق.)، و طیف متنوعی از متون ادبی از جمله آثار و منابع مورد ارجاع و اشاره نویسنده بوده است.

علاقه و توجه نویسنده به مباحث مختلف ادبی، نشانگر ذوق وافر اوست. در این اثر اما ادب فارسی نمود کمتری دارد و برعکس، ادبیات عرب بهره بیشتری یافته است.^۱ مثلاً یک رساله در باب «بدیع»، به طور خلاصه در متن آمده و در جای جای آن، از متون ادب عرب استفاده شده است. بخش مهمی از این ادبیات، امثال و حکم، نقل قول‌ها، روایات، و نیز سخنان حکمت‌آمیز است. اما صبغه دیگری از ادبیات عرب در این کتاب، آوردن مطایبات و نقل‌های بعضاً هزل‌آمیز و خارج از عرف است؛ گو این که نقل متونی از این دست، در آثاری که در زمره دست چین و کشکول هستند امر چندان عجیبی نبوده است و از این منظر حرجی بر گردآورنده و نویسنده اش نیست. به جز این گونه مطالب که بعضاً در شہاری از متون کلاسیک به چشم می‌خورد و در مقام خود گونه‌ای ادبی محسوب می‌گردد، بخش دیگری که در ادبیات عرب وجود داشته و در «فواکه البساتین» هم آمده، متون داستانی و روایی است. نویسنده و گردآورنده متن حاضر دلبستگی خاصی به «الف لیله و لیله» داشته است. موضوع توجه به این متن و بررسی جایگاه آن در ادبیات عرب و سپس در ادبیات فارسی بحث جداگانه‌ای می‌طلبد، اما مانند بسیاری از متون دیگر، در «فواکه البساتین» از این متن نیز استفاده شده است. این نشان‌دهنده علاقه نویسنده به گونه کهن داستان‌های عربی، با ذکر دقایق، ظرایف، و تصویرسازی‌های آن است. مثلاً داستان‌های هارون الرشید در قصر با جوارى گوناگون و یا داستان‌های اسحاق موصلى (و. ۲۳۵ ه. ق.) موسیقی‌دان، و دیگران، علاوه بر ظرایف داستانی، تصویرسازی‌های رنگارنگ و متنوعی را پدیدآورده که پیداست بازگویی آن‌ها برای نویسنده گیرایی خاص خودش را می‌داشته است.

نکته فرعی در نقل از «الف لیله» این‌که به دلیل وجود تحریرها و چاپ‌های گوناگون از

۱. عربی‌دانی حاج میرزا محمد در میان افراد خانواده دانسته و زیانزد بود، و از قرار اطلاع به دفعات جهت تهیه کتاب‌های عربی و فارسی برای کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان نیز طرف مشورت بوده است.

آن، احتمالا نویسنده به چاپ سانسور نشده انتشارات بولاق در مصر دسترسی داشته و گاهی مطالب منافی عرف در متن گردآوری و نقل شده است که آن نیز بهره خود را به متن می‌بخشیده. بعضی از این مطالب در بین قدما به علم التّیک مشهور بوده و مفردات و تصویرسازی‌هایی به همراه داشته که احتمالا نوعی محرک و تجویز هم بوده است. با این که چنین مطالبی در شہاری از متون کلاسیک وجود می‌داشته و تا حدی نیز معمول بوده، ولی چون امروزه فاقد جواز نشر است، بناچار مواردی حذف گردید. این موارد به صورت [...] مشخص شده‌اند.

وجه دیگر این گونه متون، چه در عربی و چه در فارسی، احراز نوعی نگاه منفی به زن و استفاده از مضامینی مانند مکر و حيله در توصیف آنان بوده است. چنین نگرشی را در برخی از روایاتی که در متن حاضر گردآوری گردیده نیز می‌توان سراغ نمود. اما آنچه باعث شده مؤلف این موارد را از متون عربی بیاورد به احتمال زیاد عدم آشنایی اغلب جامعه و بخصوص اطرافیان او با ادبیات عرب بوده تا به این وسیله مانع و رادعی در جلب توجه به چنان محتویاتی باشد.

از آنجا که دستنوشته دارای امضای کاتب نیست، می‌توان احتمال داد که خود حاج میرزا محمد به تدریج آن را تحریر کرده باشد. همچنین، نظر به عدم انسجام ساختار و بافت این مجموعه و مخصوصا نظر به بخش‌هایی از آن که مطالب متفرقه و مغایر با عرف آورده، بعید می‌نماید که نویسنده چنین متنی را برای یکی از نزدیکان یا فرزندان گردآوری و تألیف نموده باشد. تأکید مکرر بر تعبیر «بدان که» به خودی خود یا حکایت از تکرار نوعی تکیه کلام مأنوس و سستی در این قبیل نوشته‌ها دارد و در واقع روی سخن با خواننده‌ای فرضی در آینده است، و یا حتی روی سخن با خود نویسنده است. از نظر روال مطالب نیز هر چند که با تنوع موضوعات روبرو هستیم ولی به بیشتر مباحث تا حد فرصت و صرافت پرداخته می‌شود. شکل و اندازه دفتر و مندرجات آن نیز به گونه‌ای است که احتمال نمی‌رود حالت متنی و دفتری را می‌داشته که نویسنده با خود به سفر می‌برده است، بلکه به احتمال زیاد دفتری بوده که به تناوب و تمرین در خانه یا تجارتخانه تهیه می‌گردیده و حالت نوعی احصائیه را می‌داشته از خواننده‌ها و آموخته‌های نویسنده.

در بازنویسی و ویرایش متن هر جا که حرفی و یا عبارتی به منظور کمک به فهم بهتر مطلب افزوده گشته آن افزوده‌ها در داخل کروشه [] مشخص شده‌اند. رسم الخط متن تا جایی که غلّ سبک و سیاق متن اصلی نمی‌شد به شیوه و اسلوب امروزی تغییر یافت. تمام

نقطه‌گذاری‌ها، ویرگول‌ها، و علائم سوال و نقل قول در بازنویسی و ویرایش به متن افزوده شدند. پاراگراف‌های متن اصلی با علامت § مشخص شده‌اند، و جهت سهولت در خواندن متن پراگراف‌بندی‌های کوتاه‌تر نیز وارد گردیده‌اند. همچنین شماره صفحات متن اصلی دست نوشته داخل کمان {} مشخص شده‌اند. توضیحات و افزوده‌هایی که در پانویشت بخش‌های فارسی آمده‌اند از نگارنده است. همچنین در بخش‌های فارسی ارجاع به ترجمه فارسی آیات قرآنی با استفاده از دو ترجمه زیر، و با ذکر مرجع در هر مورد، صورت پذیرفته است: سید جلال الدین مجتبی، ترجمه فارسی «قرآن حکیم»، ویرایش حسین استاد ولی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۲، از این پس: (ترجمه مجتبی)؛ و محمدمهدی فولادوند، ترجمه فارسی «قرآن کریم»، ویرایش محمدرضا انصاری و سید مهدی برهانی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۲، از این پس: (ترجمه فولادوند). در فهرست ابتدای کتاب بخش‌های فارسی با / ف/ مشخص گردیده‌اند، سایر موارد که مشخص نشده‌اند به عربی هستند.

بازنویسی و استخراج منابع بخش‌های عربی و تنظیم عناوین این بخش‌ها در فهرست ابتدای کتاب و نیز تنظیم فهرست اعلام و اصطلاحات و دیگر فهارس توسط دوست گرانمایه آقای علیرضا اباذری صورت پذیرفته است که به این وسیله صمیمانه از همکاری‌های ایشان سپاسگزاری می‌گردد.

از دوستان گرامی و دانشمند آقای علی اوجبی و آقای دکتر رسول جعفریان برای راهنمایی نگارنده در مورد آیات و احادیث و عبارات عربی و دیگر پیشنهادهای سودمند ایشان در مراحل نخستین و نهایی ویرایش متن سپاسگزاری می‌شود. همچنین از پژوهنده گرامی آقای محمد ابراهیمی برای بازخوانی و بازنویسی اوراق سیاقی، و همکار ارجمند خانم مریم صدیقی برای صفحه‌آرایی و آماده‌سازی متن سپاسگزاری می‌گردد.

علی قیصری

دی ماه ۱۳۹۷